



سلام بر حضرت باران



به اهتمام

حزین (زهرا) خوش نظر

آذر سال ۱۳۹۵

<http://hazzin.blogfa.com>

<https://telegram.me/hazinkhoshnazar>



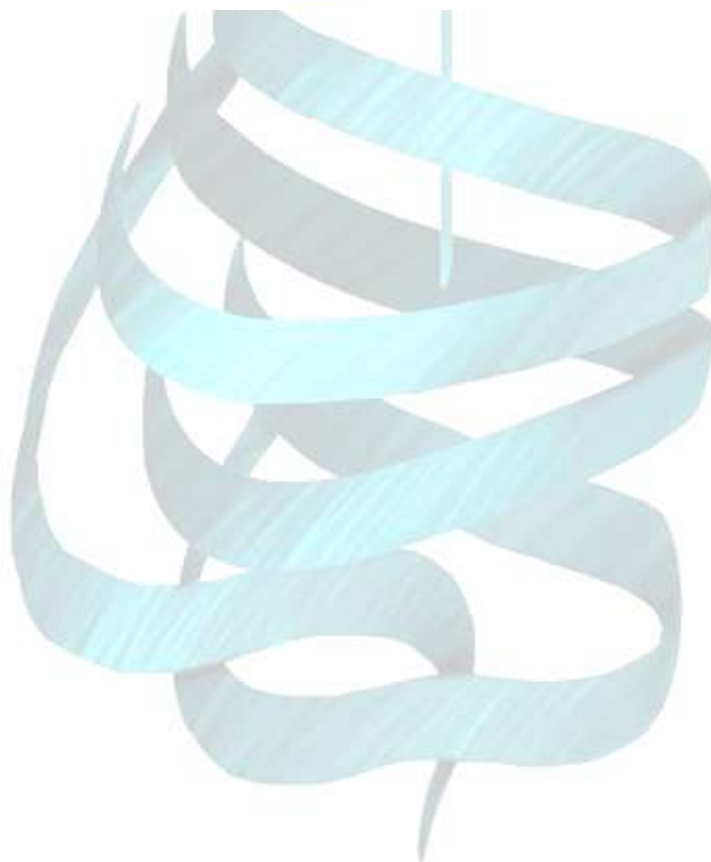
خدایا درود فرست بر علی بن محمد، جانشین اوصیا، و پیشوای پرهیزگاران،
و یادگار امامان دین، و حجّت بر همه آفریدگان.

خدایا چنانکه او را نوری قرار دادی، که مؤمنان به وسیله او روشنی جویند،
پس به پاداش شایانت مژده داد، و به کیفر دردناکت بیم داد، و از صولتت برحذر داشت،
و آیاتت را به یاد مردم انداخت، و حلالت را حلال و حرمت را حرام کرد،
و قوانین و واجباتت را بیان فرمود، و مردم را به بندگیات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد،
و از نافرمانیات بازداشت،
پس بر او درود فرست،

برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و نسل پیامبرانت فرستادی،

ای معبود جهانیان

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم فرجهم



و چه بگویم از مدینه، از مهد نور،
که باز در کوچه‌های مدینه پیچ و تاب می‌خورم.
که آفتاب از شرق طلوع می‌کند و شرق شیر نور می‌نوشد.
ومن که مسافر تنهای جاده‌های سبز زمان بوم می‌دیدم که مهد زمین ،
گهواره ی فرزند مطهر جواد الائمه علیه‌السلام را ، در آغوش سبز خویش،
غرق گل‌های معطر یاس ، به خاکیان و خاکنشینان نشان می‌داد.
کوکب نور و هدایت به زمین هبوط کرده بود.
و خورشید به جان‌های خسته می‌تابید ،
و دل‌ها و دیدگان در انوار مقدس و نورانی‌اش ، غرق در نور و شعله.
امام هادی علیه‌السلام، کودکی نه ساله، با لوای هدایت بشری بر دوش‌های استوارش،
بر در و دیوار زمانه نقش عشق می‌کشید.
او که آفتاب، گرمای حیات‌بخش خویش را از قلب مهربان او وام می‌گیرد.
امام علی النقی علیه‌السلام، امام پاکی‌ها.
نام مادر گرامی امام علیه‌السلام سمانه م‌غربی بود که امام هادی علیه‌السلام درباره‌اش فرمود:
مادرم عارفه است به حق من ، و او از اهل بهشت است و نزدیک نمی‌شود به او شیطان رجیم،
و نمی‌رسد به او مکر جبار عنید و خداوند او را نگهبان و حافظ است.^۱
و امام خویش را می‌دیدم که پس از شهادت پدر گرامی‌شان بیش از بیست سال در مدینه ماندند و
شیعیان و دانش‌طلبان و علما در محضر ایشان جمع می‌شدند ،
و امام علیه‌السلام در زیر کنترل شدید حکام زمان بودند.

^۱ - منتهی آلامال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۱۱.

و پس از آن متوکل عباسی، امام علیه‌السلام را به پایتخت خویش فرا خواندند، و اقامت اجباری بیش از بیست سال را بر ایشان تحمیل کردند تا میان امام و شیعیان پدران‌ش که امامت او را پذیرفته بودند و از لحاظ تعداد در آن تاریخ بیش از هر زمان دیگری بیشتر بودند، فاصله ایجاد کنند.

و در حوادث سال ۲۳۶ بود که متوکل در آن سال قبر امام حسین علیه‌السلام را، خراب و با خاک یکسان نمود، و آن‌گاه دستور داد زمین را شخم بزنند و بکارند تا آثاری از آن بجای نماند.

و بسیاری از زائران قبر امام حسین علیه‌السلام را از دم تیغ گذراند، و سرانجام مالیات‌های سنگین و انواع مجازات‌ها را بر ایشان مقرر کرد، تا دست از زیارت امام علیه‌السلام بکشند.

و امام هادی علیه‌السلام در زمانه‌ای اینچنین سرباه از سیاست و سیاستمداران روی گرداند و از طریق دفاع از اصول اسلام و نشر فروع آن به خدمت اسلام همت گماشت.

و با شکاکان و ملحدان مناظره کرد و با منطق و حجت به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد، تا اینکه آن شکاکان در پایان مناظره با ایشان قانع شده و نظریات ایشان را می‌پذیرفتند.

و امام هادی علیه‌السلام همانند اجداد طاهرینش، با افراط و افراطیون قاطعانه برخورد می‌نمودند و بیزاری خود را از آنان به واسطه کفر و الحادشان اعلام می‌کردند.

امام هادی علیه‌السلام پس از شهادت پدر گرامی‌شان، بیش از بیست سال در مدینه باقی ماندند، مردم به ایشان عشق می‌ورزیدند و به دورش گرد می‌آمدند، و علما و دانش‌طلبان در محضر ایشان جمع می‌شدند.

همچنان که شیعیان نیز در زمان آن حضرت تعدادشان از همیشه بیشتر بود، با نام‌نگاری و مکاتبه با ایشان در پیوند بودند، و در مسائل دینی و برای حل مشکلات خود از ایشان کمک می‌گرفتند. ولی علی‌رغم اینها، امام علیه‌السلام در همه حالات خود زیر کنترل شدید حکام زمان بودند.

و بریحه عباسی یکی از یاران متوکل به او نوشت:

اگر می‌خواهی حرمین را از دست ندهی علی بن محمد (امام هادی علیه‌السلام) را از آنجا بیرون کن. چرا که او مردم را به خود می‌خواند و خلق بسیاری از او پیروی می‌کنند. و نامه‌هایی از این دست به متوکل فزونی گرفت.

و سرانجام متوکل با نامه‌ای سراپا فریب و نیرنگ برای امام علیه‌السلام نوشت که:

« امیرالمؤمنین به تو مشتاق است و خوش دارد ولایت عهدی را به تو بسپارد ، و اگر خوش داشته باشی به دیدار ما آیی ، و هر که را خواستی به همراه آوری ، و هر وقت خواستی بیایی و هر کجا خواستی و به هر گونه، اقامت گزینی .

و اگر خوش داشتی که یحیی بن هرثمه خدمتکار امیرالمؤمنین و سربازان همراهش، در خدمت باشند چنین مقدر می‌دارم.

حال با خدای استخاره کن تا به حضور امیرالمؤمنین رسی

والسلام علیک و رحمه الله و برکاته. »

و امام علیه‌السلام به ناچار به نامه‌اش پاسخ مثبت داد.

و متوکل ، یحیی بن هرثمه و همراهانش را دستور داد تا منزل امام را به دقت مورد بازرسی قرار دهند ، زیرا جاسوسانش در مدینه به اطلاعش رسانده بودند که امام علیه‌السلام سلاح گرد می‌آورد ، و مردانی را برای قیام علیه او تدارک می‌بیند.

هرثمه می‌گوید: وقتی وارد مدینه شدم، مردم به وحشت افتادند و از ترس جان امام هادی (علیه‌السلام) به طور بی‌سابقه‌ای به ناله و زاری افتادند ، و من به آرام کردن مردم می‌پرداختم ، و سوگند یاد می‌کردم که دستور ندارم کمترین کاری ناخوشایند و رفتاری بد داشته باشم ، و اینکه هیچ خطری متوجه امام (علیه‌السلام) نیست.

و امام هادی علیه‌السلام را با هر تمهیدی بود با خود به سامرا بردند ،
و در راه بین مدینه تا سامرا، کراماتی چند از امام علیه‌السلام دیده شد.
و متوکل در آن روزی که حضرت به سامرا رسید ایشان را به حضور پذیرفت ،
و روز بعد اجازه حضور داد.
متوکل در سامرا نیز تمام فعالیت‌ها و حرکت‌های امام علیه‌السلام را زیر نظر داشت ،
و شیعیان نیز غالباً از طریق مکاتبه بمایشان دسترسی داشتند .
و دردمندانه امام خویش را می‌دیدم که به دستور متوکل در دل شب بر خانه‌اش یورش بردند ،
و ایشان را با قبایی بافته شده از موی بز که بر تن داشتند و ملافهای پشمی بر سر، در حال تلاوت
آیات متبرک نور به محضر متوکل کشاندد.
و امام علیه‌السلام در حالی به حضور متوکل رسید که او مشغول میگساری بود ،
و جام می بدست داشت.
متوکل جام را به امام داد.
امام علیه‌السلام فرمود:
به خدا گوشت و خون من هرگز با می آلوده نشده است و مرا از آن معاف دار.
متوکل به ایشان گفت: پس برایم شعری بخوان.
امام علیه‌السلام عذر خواست و فرمود: من از شعر چندان چیزی به خاطر ندارم.
و متوکل پافشاری می‌کرد و عذری را نمی‌پذیرفت.
و امام علیه‌السلام این اشعار را بر زبان جاری ساخت:
- بر قلعه کوه‌ها ماندند و مردان قوی، از آنان نگهبانی کردند ولی این قلعه‌ها چه سودی به آنها رساند.
- و پس از عزتی که داشتند از برج و باروی خویش به زیر کشانده شدند و به گودالی درافتادند ،

و چه افتادن بدی.

- فریادی آنان را پس از به خاک سپردنشان ندا داد که کو آن خاندان و تاج و زیورها.
- کجاست آن چهره‌هایی که برافروخته بود و غرق نعمت ، که بر زیردستانشان تحکم می‌کردند.
- قبرها به زبان آمده و در پاسخ این پرسش گفتند که اینک بر چهره‌ها، کرم‌ها، در رفت و آمدند.
- چه بلند زمانی که خوردند و آشامیدند ولی اینک خود پس از آن همه خوردن، خورده شدند.
- و چقدر خانه و کاخ برای خویش ساختند تا آنان را پاس دارد ، ولی اینک خانه‌ها و خاندان را رها کرده و به آن دیار رفتند.
- چه مدت که اموال را گرد آوردند و ذخیره کردند ولی اینک آنها را برای دشمنان بجای گذاردند و رفتند.

- خانه‌هایشان و کاخ‌هایشان به ویرانه‌ای مبدل شد ، و ساکنان آنها به گور سپرده شدند.

امام علیه‌السلام به خواندن چنین اشعاری که متوکل انتظار نداشت ادامه داد ،

و متوکل آنچنان بلند گریه می‌کرد که از اشک صورتش خیس شد،

حاضران نیز از گریه‌اش، به گریه افتادند ،

آنگاه دستور داد شراب‌ها را جمع کردند و امام علیه‌السلام را با احترام روانه منزل کرد.

و سرانجام شهادت امام هادی علیه‌السلام روز دوشنبه چهار روز مانده به پایان جمادی الاخر سال

۲۵۴ هجری بود و مردم کنیزکی را دیدند که می‌گفت:

چه چیزها که در دوشنبه ما دیده‌ایم.^۲

۲ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، هاشم معروف الحسینی، ترجمه محمد مقدس، ج ۲.



برخی از اقدامات امام هادی علیه السلام

۱_ ایجاد آمادگی فکری شیعیان جهت ورود به عصر غیبت

فراهم کردن زمین و ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان شیعه علیه السلام بود، که همواره شیعیان را متوجه این امر می کردند.

در این راستا امام هادی علیه السلام هم اقداماتی انجام داده اند:

الف_ بیان روایات فراوان در مورد فرا رسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

ب_ بشارت به ولادت حضرت حجت و مخفی بودن ولادت و هشدار این که مبدا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛

ج_ کم کردن تماس مستقیم شیعیان باحضرت ؛

به طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت پاسخ داده می شد؛ تا از قبل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛

د_ تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه

و_ ارجاع سؤالات شیعیان به وکلا و توجیه وکلا نسبت به پرسش های شیعیان؛

با توجه به انحرافات و شبهات آن روز.

۲_ مبارزه با انحرافات

غالیان کسانی بودند که بر مبنایی نادرست، امامان معصوم علیه السلام را تا مقام خدایی (نعوذبالله) بالا می بردند.

امام هادی علیه السلام ، همانند امامان قبلی، موضع خویش را در قبال آنان روشن می ساخت و آنان را از گروه شیعه نمی دانست ، و حتی در نامه های مختلف، غالیان را افرادی مشرک و کافر معرفی

می فرمود و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکار اعلام می نمود.

گروه دیگری از منحرفان، صوفیان بودند که معمولاً با کناره گیری از دنیا، به شکل ریاکارانه در مقابل امام هادی علیه السلام می ایستادند.

امام هادی علیه السلام شیعیان را از نزدیک شدن و هم نشینی با آنان و ورود به جلسه هایشان به شدت برحذر می داشت ، و آنان را هم نشینان شیطان و نابود کننده پایه های دین ، و پیروان این گروه را نادانان می دانست ، و کسانی را که به آنها گرایش پیدا می کردند، احمق معرفی می فرمود.

۳_ تربیت نیرو و افراد شایسته

یکی از اقدامات و فعالیت های ائمه علیه السلام پرورش شاگردان و افراد شایسته بوده است.

امام هادی علیه السلام نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادهای لازم را داشتند شناسایی کرده و آنان را جهت پیش برد اهداف اسلامی تربیت می فرمودند.

این افراد افزون بر راویانی هستند که سخنان و روایات امام هادی علیه السلام را نقل می نمودند. برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را عهده دار بودند.

برجسته ترین این افراد عبارتند از:

۱. عبدالعظیم حسنی (ره)، که مرقد وی در شهر ری می باشد و از یاران امام عسکری علیه السلام بوده است.
۲. حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی و وکیل امام هادی علیه السلام بوده است.
۳. عثمان بن سعید عمری، که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام بود و بعدها یکی از نایبان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده است.

۴_ تقویت سازمان وکالت

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان ، و از همه مهمتر با توجه به اینکه امام علیه السلام در حصر و تحت نظارت و کنترل بوده اند ، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می بردند. به همین علت سازمان وکالت که به صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق علیه السلام فعالیت خود را آغاز نمود، در دوران امام هادی علیه السلام نیاز به تمهیدات بیشتری داشت. در زمان امام هادی علیه السلام شیعیان ایران، عراق، یمن و مصر ارتباط مستمر و خوبی با حضرت داشتند.

وکلاهی امام علیه السلام علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن به امام علیه السلام ، در مسائل کلامی و فقهی نیز نقش سازنده ای داشته اند .

و در جا انداختن امامت امام بعدی ، و ورود شیعه به عصر غیبت، تلاش خستگی ناپذیری از خود به نمایش گذاشتند.

(البته گاهی افرادی از این وکلا دستخوش انحراف از خط امام علیه السلام شده و مورد تکذیب آن حضرت هم واقع می شدند. در این شرایط کسان دیگری جایگزین آنها می شدند.) این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوکل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت ، و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام علیه السلام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد.

۵ _ تبیین مقام شامخ امامت از طریق :

زیارت جامعه

و

زیارت غدیریه

در زمان امام هادی علیه السلام اصل امامت باید معرفی می گردید؛

چون ائمه علیهم السلام و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می رفت.

امام هادی علیه السلام پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می کردند.

مجموعه این زیارات و ادعیه به عنوان یک دائرة المعارف شیعه به حساب می آید ،

و در بردارنده دلایل بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می باشد.

الف _ زیارت جامعه کبیره

این زیارت از مشهورترین ، برترین و شناخته شده ترین زیارات ائمه علیهم السلام است.

شیعیان نسبت به خواندن آن بخصوص روزهای جمعه توجه خاصی دارند.

شیخ طوسی (ره) در التهذیب و شیخ صدوق (ره) در الفقیه آن نقل کرده اند.

علامه مجلسی (ره) در مورد صحت سند آن - که به درجه قطع رسیده - می گوید:

«این زیارت دارای بهترین سند، عمیق ترین مفهوم، فصیح ترین الفاظ، بلیغ ترین معنا،

و عالی ترین شأن است.

امام هادی علیه السلام در این زیارت شاخصه ها و پایه های اصلی شیعه را بیان فرمودند.

ب_ زیارت غدیریه

این زیارت به زیارت امیرالمؤمنین در عید غدیر خم معروف است.

در سالی که معتصم امام علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند،

ایشان به زیارت امام علی علیه السلام در نجف اشرف رفته و این زیارت را قرائت کردند ،

که در ضمن آن یکصد و پنجاه منقبت از مناقب امام علی علیه السلام بیان فرموده ،

و از برخی مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود، سخن گفتند.

این زیارت از زیباترین، اصیل ترین، بدیع ترین و پربرترین زیارت هاست.

در زمانی این زیارت توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد که امامت به فراموشی سپرده شده بود .
امام هادی علیه السلام در ضمن زیارت با ترسیم مظلومیت امام علی علیه السلام و هشدار به مردم،
آنان را از خواب غفلت بیدار می کند.

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم ختم



شخصیت امام هادی (علیه السلام)
از نگاه دیگران



بن شهر آشوب درباره حضرت می گوید: از همه خوش سیماتر و راستگوتر بود، زیبایی ایشان از نزدیک دلها را می ربود و کمالشان از دور خردها را سرگشته می کرد.

هنگامی که لب می گشودند زیبایی کلامشان دیگران را شیفته می کرد و هنگامی که لب فرو می بستند هیبت و وقارشان فضا را سنگین می کرد. ایشان شاخه ای از بهترین شاخه های درخت نبوت و امامت بشمار می رفت.

منبع: المناقب، ج ۴

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا ابا الحسن يا علي بن محمد أيها الهادي النقي يا بن رسول الله

يا حجة الله على خلقه

يا سيدنا ومولينا

إنا توجَّهنا واستشفعنا وتوسَّلنا بك إلى الله

وقدَّمناك بين يدي حاجتنا

يا وجهاً عند الله

اشفَع لنا عند الله

ای ابا الحسن، ای علی بن محمد، ای هادی نقی، ای فرزند فرستاده خدا،

ای حجّت خدا بر بندگان،

ای آقا و مولای ما،

به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم،

و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،

ای آبرومند نزد خدا،

برای ما نزد خدا شفاعت کن،





نکته ای که در مورد زندگی حضرت امام هادی علیه السلام مهم و شایان توجه است،

دو سند بزرگ ، و دو گنجینه عظیم معرفتی و اعتقادی در حوزه امامت است ،

که از آن امام به یادگار مانده ، و در حقیقت میراث عظیم امام هادی علیه السلام برای امت اسلامی

مخصوصا برای شیعیان محسوب می شود.

اول **زیارت جامعه کبیره** است ،

که به حق در حوزه مباحث مربوط به امامت گنجینه ای ست بسیار پر عظمت و با اهمیت ،

که این متن متقن و محکم مشتمل بر دوره ای فشرده از عمیق ترین و دقیق ترین مسائل مربوط به

امامت ، از زبان امام هادی علیه السلام ، و در زمان آن امام در حقیقت به عنوان یک تحفه ، و هدیه

الهی از جانب آن بزرگوار برای امت اسلامی ، و بالاخص برای شیعیان به ارمان گذاشته شده است.

اما دومین گنجینه عظیم که از امام هادی علیه السلام برای شیعیان به یادگار مانده؛

زیارت غدیریه است ،

که که یک دوره فشرده از تاریخ زندگانی سراسر عزت و آکنده از غربت و مظلومیت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات الله و سلامه علیه) می باشد .

شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا از موسی بن عبد الله نخعی روایت کرده که گفت خدمت حضرت هادی علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله، مرا زیارتی با بلاغت تعلیم فرما که کامل باشد، تا اینکه هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم، آن را بخوانم.

فرمود: چون به درگاه حرم رسیدی، بایست و شهادتین را بگو یعنی:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

گواهی میدهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و شریکی ندارد،

و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.

در این هنگام باید با حالت غسل باشی،

چون داخل حرم شوی، و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه **الله اکبر** بگو،

سپس اندکی با آرامش و وقار راه برو، و در این راه رفتن، گامها را نزدیک یک دیگر گذار،

آنگاه بایست و سی مرتبه **الله اکبر** بگو،

پس نزدیک قبر مطهر برو و چهل مرتبه **الله اکبر** بگو، تا صد تکبیر کامل شود.

و شاید چنان که مجلسی اول فرموده: وجه این صد تکبیر این باشد، که اکثر طبایع مردم مایل به غلو در

حق محبوبان خود هستند، مبدا از عبارات امثال این زیارت گرفتار غلو و افراط در اعتقاد و سخن

شوند، یا از بزرگی حق تعالی غافل گردند یا غیر این امور.

پس بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خُزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ وَ أُصُولِ الْكِرَامِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَ عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أُنْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ دَوَى

النُّهَى



سلام بر شما ای اهل بیت نبوت،

و جایگاه رسالت، و عرصه رفت و آمد فرشتگان،

و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت،

و خزانه داران بهشت،

و نهایت بردباری، و ریشه های لئوم،

و رهبران امت ها، و سرپرستان نعمت ها، و بنیادهای نیکان، و استوانه های خوبان،

و رهبران سیاسی بندگان، و پایه های کشورها،

و درهای ایمان، و امینان خدای رحمان، و چکیده پیامبران، و برگزیده رسولان،

و عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان و رحمت و برکات خدا بر آرن باد،

سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغ های تاریکی،

و پرچم های پرهیزگاری، و صاحبان خرد،

و أولی الحجی و كهف الوری و ورثة الأنبیاء و المثل الأعلى و الدعوة الحسنى و حجج الله على أهل

الدنیا و الآخرة و الأولى و رحمة الله و برکاته

السلام على محال معرفة الله و مساکن برکة الله و معادن حکمة الله و حفظة سیر الله و حملة کتاب الله و

أوصیاء نبی الله و ذریة رسول الله صلى الله علیه و آله و رحمة الله و برکاته

و دارندگان (خرد و) زیرکی، و پناهگاه مردمان، و وارثان پیامبران، و نمونه برتر، و دعوت نیکوتر و

حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،

سلام بر جایگاه های شناخت خدا، و مسکن های برکت خدا، و معدن های حکمت خدا،

و نگهبانان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا،

و فرزندان رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) ، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد

السلام على الدعوة إلى الله و الأدلاء على مرضاة الله و المستقرين (و المستوفين) في أمر الله و التامین

في محبة الله

و المخلصین في توحید الله و المظهرین لأمر الله و نهیه و عباده المکرمین الذین لا یسئفونہ بالقول و هم

بأمره یعملون و رحمة الله و برکاته

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةِ الْحَمَاةِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ

اللَّهِ

وَ خَيْرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و راهنمایان بر خشنودی خدا، و استقراریافتگان در امر خدا،

و کاملان در محبت خدا، و مخلصان در توحید خدا، و آشکارکنندگان امر و نهی خدا،

و بندگان گرامی خدا آنان که به گفتار بر خدا پیشی نمی گیرند، و به دستورش عمل می کنند،

و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،

سلام بر پیشوایان دعوت کننده، و پیشروان هدایت کننده، و سروران سرپرست،

و مدافعان حمایت کننده، و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقیمانده خدا و برگزیدگان او،

و گروه و صندوق دانش حق،

وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ (وَ بُرْهَانِهِ) وَ رَحْمَتُهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ أَوْلُوا الْعِلْمَ مِنْ خَلْقِهِ لَا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيِّونَ الْمُعْصُومُونَ

الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْفَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ،

و حُجَّتِ وَ رَاهِ وَ نُورِ وَ بُرْهَانِ خُدا، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد،

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است، و برای او شریکی نیست،

چنان که خدا برای خویش گواهی داده، فرشتگانش و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی دادند،

معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است،

و گواهی می دهم که محمد بنده برگزیده، و فرستاده پسندیده اوست، او را به هدایت و دین حق فرستاد،

تا بر همه آیین ها پیروزش گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند،

و گواهی می دهم که شما باید پیشوایان راهنما، راه یافته، معصوم، مکرم، مقرب پرهیزگار، راستگو،

برگزیده، فرمانبردار خدا، قیام کننده به فرمانش، عمل کننده به خواسته اش

الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُرْبَتِهِ وَ اعَزَّكُمْ بِهَدَاهُ وَ
حَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ [بِنُورِهِ] وَ اَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ وَ حُجَّجَا عَلَى بَرِيَّتِهِ
وَ اَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ وَ اَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ
شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ اَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ اِدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمْ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ اَمَنَكُمْ
مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ

دست یافته به کرامتش، شما را با دانشش برگزید، و برای غیبش پسندید، و برای رازش انتخاب کرد،

و به قدرتش اختیار کرد، و به هدایتش عزیز نمود، و برهانش اختصاص داد، و برای نورش برگزید،

و به روحش تأیید فرمود و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش، و دلایل محکمی بر مخلوقاتش،

و یاورانی برای دینش، و نگهبانانی برای رازش، و خزانه دارانی برای دانشش،

و محل نگهداری برای حکمتش، و مفسران وحیش، و پایه های یگانه پرستی اش، و گواهانی بر خلقش

و پرچم هایی برای بندگانش، و مراکز نوری در کشور هایش، و راهنمایانی بر راهش،

خدا شما را از لغزشها حفظ کرد، و از فتنه ها ایمن داشت، و از آلودگی پاک کرد،

وَ اَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَ اَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ اَدْمَنْتُمْ [اَدْمَنْتُمْ]

ذِكْرَهُ وَ وَكَّدْتُمْ [ذَكَّرْتُمْ] مِيثَاقَهُ وَ اَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ دَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ بَدَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ [حَبِّهِ] وَ

اَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ اَتَيْتُمُ الرِّكَاعَةَ وَ اَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى

أَعْلَنُكُمْ دَعْوَتَهُ وَ بَيَّنُّكُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقَمُّكُمْ حُدُودَهُ وَ نَسَرُّكُمْ [وَ فَسَّرْتُكُمْ] شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُكُمْ

فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَ سَلَّمْتُكُمْ لَهُ الْقَضَاءَ

و پلیدی را از شما ببرد، و پاکتان نمود، پاک کردنی شایسته پس شما هم عظیم شمردید، شوکتش را، و بزرگ دانستید مقامش را، و ستودید کرمش را، و ادامه دادید ذکرش را، و استوار نمودید پیمانش را، و محکم نمودید گره طاعتش را، و در نهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید،

و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید، و جان خود را در خشنودی او نثار نمودید، و بر آنچه در کنار او به شما در رسید صبر کردید،

و نماز را بپا داشتید، و زکات پرداختید، و به معروف امر نمودید، و از منکر نهی کردید،

و جهاد فی الله نمودید، آن گونه که شایسته بود، تا دعوتش را آشکار کردید، و واجباتش را بیان فرمودید، و حدودش را بر پا داشتید، و قوانین احکامش را پخش نمودید، و روش او را انجام دادید، و در این امور از جانب خدا به مقام رضا در رسیدید، و تسلیم قضای او گشتید،

وَ صَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ اللّٰزِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَ الْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ

مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاتُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ

عَلَيْكُمْ وَ فَصَلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ

وَ الْاِكْمُ فَقَدْ وَ أَلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ [وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ] وَ

مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ،

و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید، پس روگردان از شما خارج از دین، و ملازمان ملحق شونده

به شما، و کوتاهی کننده در حقتان قرین نابودی است، و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی

شماست، و شما اهل حق و سرچشمه آن هستید و میراث نبوت نزد شماست، و بازگشت خلق به سوی

شما، و حسابشان با شماست، و سخن جدا کننده حق از باطل نزد شماست، آیات خدا پیش شما، و

تصمیمات قطعی اش در شما، و نور و برهانش نزد شماست، و امر او متوجه شماست، آن که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته، و هر که به شما محبت ورزید به خدا محبت ورزیده و هر که با شما کینه توزی نمود، با خدا کینه ورزی نموده است، و هر که به شما چنگ زد، به خدا چنگ زده است،

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ] وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوعَةُ وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مِنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَدَدَكُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ أَجِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مِنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَدَدَكُمْ كَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ ،

شما باید راه راست تر و گواهان خانه فنا، و شفیعیان خانه بقا، و رحمت پیوسته، و نشانه انباشته و امانت نگاه داشته، و درگاه حقی که مردم به آن آزموده می شوند، آن که به سوی شما آمد نجات یافت، و هر که نیامد هلاک شد، شما مردم را به سوی خدا می خوانید، و به وجود او راهنمایی می کنید، و همواره در حال ایمان به او هستید، و تسلیم او می باشید، و به فرمانش عمل می کنید، و به راهش ارشاد می نمایید و به گفته اش حکم می کنید، هر که شما را دوست داشت، خوشبخت شد، و هر که شما را دشمن داشت به هلاکت رسید، و هر که شما را انکار کرد زیانکار شد و هر که از شما جدایی نمود گمراه گشت، هر که به شما تمسک جست به رستگاری رسید، و هر که به شما پناه آورد ایمنی یافت، کسی که شما را تصدیق نمود سالم ماند، و هر که متمسک به شما شد هدایت یافت، کسی که از شما پیروی کرد، بهشت جای اوست، و هر که با شما مخالفت ورزید، آتش جایگاه اوست، هر که منکر شما شد کافر است، و هر که با شما جنگید مشرک است،

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَ أَنَّ
 أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزُهُ
 مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا [صَلَوَاتِنَا]
 عَلَيْكُمْ وَ مَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَ لَا يَتَّكُمُ طَيِّبًا لِخُلُقِنَا [وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً] بَرَكَتَةً [لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا
 فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَ مَعْرُوفِينَ بِتَّصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ

و هر که شما را رد کرد، در پست ترین جایگاه از دوزخ است، گواهی می دهد که این شأن و مقام
 در گذشته برای شما پیشی داشت و برایتان در آینده زمان جاری است، و همانا ارواح و نور و سرشت
 شما یکی است، پاکیزه و پاک شد، برخی از آن از برخی دیگر است، خدا شما را نورهایی آفرید، و
 گرداگرد، عرش خود قرار داد، تا با آوردنشان به دنیا بر ما منت نهاد، و قرارتان داد در خانه هایی که
 اجازه داد رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود، و دروهای ما بر شما قرار داد، و آنچه ما را از
 ولایت شما به آن مخصوص داشت، مایه پاکی برای خلقت ما، و طهارت برای جان ما، و تزکیه برای
 وجود ما، و کفاره گناهان ماست، پس ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به فضل شما، و شناخته شدگان به
 تصدیق جایگاه شما بودیم، خدا شما را به شریفترین جایگاه گرامیان

وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَلِيقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ
 لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا
 جَاهِلٌ وَ لَا دَنِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا خَلْقٌ
 فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِكُمْ وَ عِظَمَ خَطَرِكُمْ وَ كِبَرَ شَأْنِكُمْ وَ تَمَامَ نُورِكُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ
 وَ تَبَاتَ مَقَامِكُمْ،

و برترین منازل مقربان، و رفیع ترین درجات فرستادگان برساند، چنان که از پیرسندگی ای به آن نرسد،
 و بالا رونده ای به آن راه نیابد، و سبقت گیرنده ای از آن پیشی نجوید، و طمع کننده ای در یافتن آن

طمع نورزد، از آنجا که باقی نمی ماند ملك مقرّبی، و نه پیامبر مرسلی، و نه صدیقی و نه شهیدی و نه دانایی و نه نادانی و نه پستی و نه والایی، و نه مؤمن شایسته ای، و نه فاجر بدکاری، و نه گردنکش لجوجی، و نه شیطان نافرمانی، و نه خلق دیگری که در این میان گواه باشد مگر اینکه خدا بر آنان بشناساند، جلالت امر شما، و عظمت مقام، و بزرگی شأن، و کامل بودن نور، و درستی مسندها و ثابت بودن مقام،

وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ وَ خَاصَّتْكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أَسْرَتِي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا أَمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَنْبِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مَوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمُ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ ،

و شرافت موقعیت، و منزلت شما را نزد خویش، و کرامتتان را بر او، و خصوصیتی که نزد او دارید و نزدیکی مقامی که نسبت به او برای شماست، پدر و مادرم و اهل و مال و طایفه ام فدای شما، خدا و شما را گواه می گیرم، که من به شما و به آنچه شما ایمان آوردید باور دارم، نسبت به دشمنان و آنچه را شما به آن کفر ورزیدید کافر، بینایم به مقام شما، و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد، دوستدار شما و دوستان شما، خشنانک نسبت به دشمنان شما و دشمن آنانم، در صلح با هر که با شما در صلح است و در جنگ با هر که با شما جنگید، حق می دانم آنچه را شما حق دانستید، و باطل می دانم آنچه را شما باطل دانستید، به فرمان شما، عارف به حقتان هستم، مُؤَيَّرٌ بِفَضْلِكُمْ مُخْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِذَوَلَّتِكُمْ أَخَذَ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَائِدٌ عَائِدٌ بِفُؤْرِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ،

به برتری شما اقرار دارم، تحمل کننده دانش شمایم، پرده نشین پیمان و حرمت شما می باشم، به شما معترفم، به بازگشتتان مؤمنم، رجعت تان را تصدیق دارم چشم به راه فرمان شمایم، در انتظار حکومت شما به سر می برم، گیرنده گفته شما هستم، عمل کننده به فرمان شما می باشم، پناهنده به شمایم، زائر شما هستم، ملتجی و پناهنده به قبر شمایم، خواهنده شفاعت به درگاه خدای عزّ و جلّ به وسیله شما می باشم، و به سوی او به سبب شما تقرب می جویم، و مقدم کننده شما پیش روی خواسته ام و حاجاتم و ارادتم در همه احوال و امورم، به نهان و آشکارتان، و حاضر و غائبتان، و اول و آخرتان ایمان دارم، و در همه اینها و گذارنده کار به شمایم، و در اینها به همراه شما تسلیم،

وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَ يُظَهِّرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَ يُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ [عَدُوَّكُمْ] أَمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَ بَرِنْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ] وَ [الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وَ لا يَنْكُرُ مِنَ الْغَاصِبِينَ لِإِرْتِكَابِكُمْ] وَ [الشَّاكِينَ فِيكُمْ] وَ [الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجَةِ دُونِكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَتَبَتَّنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَقَفَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ ،

دلم تسلیم شماست، رأیم تابع شماست، و یاری ام برای شما مهیاست، تا زمانی که خدا دینش را به وسیله شما زنده کند، و شما را در ایامش بازگرداند، و برای عدالتش آشکارتان نماید، و در زمینش پابر جایتان فرماید، پس با شمایم با شما، نه با غیر شما به شما ایمان آوردم، آخری شما را دوست دارم، همانطور که اولین شما را دوست داشتم، به سوی خدا از دشمنانتان بیزار می جویم و و نیز بیزاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان، آن ستم کنندگان به شما، و منکران حقتان، و خارج شدگان از ولایتتان، و غصب کنندگان میراثتان، و شك کنندگان در حقانیت تان، و منحرف شوندگان از حضرتتان، و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست، و از هر اطاعت شده ای جز

شما، و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می خوانند، پس خدا همیشه پابرجایم بدارد، تا که زنده ام

بر مولات و محبت و دین شما، و به اطاعت از شما موقوم فرماید، و شفاعت شما را نصیب کند

وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَفْتَصُّ أَثَارَكُمْ وَ يَسْأَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهِدَاكُمْ وَ يُحْسِرُ فِي زَمْرَتِكُمْ وَ يَكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدَا بِرُؤْيَيْكُمْ بِأَيِّ أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنُكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِي لَا أَحْصِي تَنَاءَكُمْ وَ لَا أْبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ [اللَّهُ] وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْعَيْثَ ،

و مرا از برگزیدگان دوستان قرار دهد، و از پیروی کنندگان نسبت به آنچه شما به آن دعوت کردید، و مرا از آنانی قرار دهد که از آثار شما متابعت می کنند و به راه شما می روند، و به هدایت شما هدایت می جویند، و در گروه شما محشور می شوند، و در زمان رجعت تان دوباره به دنیا باز می گردد، و در دولت شما به فرمانروایی می رسند، و در دوران سلامت کامل شما مفتخر می گردند، و در روزگار شما اقتدار می یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می شود، پدر و مادر و جان و خانواده و مالم فدای شما، هرکه آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز میکند، و هرکه او را به یکتایی پرستد، طریق توحیدش را از شما می پذیرد، و هرکه قصد حق کند.

به شما توجه می نماید، ای سرورانم، نمی توانم ثنای شما را شماره کنم، و در امر مداح گفتن قدرت رسیدن به حقیقت شما را ندارم، و در مقام وصف نمودن، توانایی بیان منزلت شما در من نیست، و حال

آنکه شما نور خوبان و هادیان نیکان و حجت های خدای جبارید،

خدا با شما آغاز کرد، و با شما ختم می کند،

و به خاطر شما باران فرو می ریزد،

وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ اللَّهُ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَّلَتْ بِهِ
رُسُلُهُ وَ هَبَّتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ

و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه می دارد، مگر با اجازه خودش، و به وسیله
شما اندوه را می زداید، و سختی را برطرف می نماید، و نزد شماست آنچه را بر رسولانش نازل
فرموده، و فرشتگانش به زمین فرود آورده اند، و به جانب جد شما.

(و اگر زیارت امیر مؤمنان علیه السلام باشد، به جای

«والی جدکم» بگو: «وَ إِلَى أَخِيكَ»)

بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرِيفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ
لِطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ
بِوِلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَدَّ وَ لَا يَتَّكُمُ عَضْبُ الرَّحْمَنِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ
أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ
وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ أَنْتَارُكُمْ فِي الْأَنْتَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ
شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَ خَطَرِكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدِكُمْ] وَ أَصْدَقَ وَعْدِكُمْ] ، كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ النَّقْوَى
وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ ،

و به سوی برادرت روح الامین برانگیخته شد، خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدی از جهانیان
مرحمت نفرموده، هر شرافتمندی در برابر شما سر به زیر انداخته، و هر متکبری در مقابل طاعت
شما گردن نهاده، و هر جباری نسبت به برتری شما فروتن گشته است، و هر چیزی برای شما خوار
شده است، و زمین به نورتان روشن گشت، و رسیدگان به ولایت شما رستگار شدند با شما راه به سوی
بهشت را میتوان پیمود، خشم حضرت رحمان است بر کسیکه منکر ولایت شما شد، پدر و مادر و جان
و اهل و مالم فدای شما باد، یاد شما در قلوب یادکنندگان، و نامتان در نامها، و تن هایتان در تن ها، و

ارواحان در ارواح، و جان هایتان در جانها، و آثارتان در آثار، و قبرهای تان در قبرهاست، چه شیرین است نامهای تان، و گرامی است جان هایتان، و بزرگ است مقامتان، و عظیم است مرتبه بلندتان، و با وفاست پیمانتان، و راست است وعده تان، سخن شما نور، و دستورتان راهنما، و سفارشتان تقوا، و کارتان، خیر، و روشتان احسان،

و سَجِيَّتِكُمُ الْكِرَامَ وَ شَأْنِكُمُ الْحَقَّ وَ الصِّدْقَ وَ الرَّفْقَ وَ قَوْلِكُمْ حُكْمَ وَ حَتْمَ وَ رَأْيِكُمْ عِلْمَ وَ حِلْمَ وَ حَزْمَ إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرَعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بِلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْفَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ الرَّعْمَةُ،

و اخلاق و خویتنان بزرگواری، و کار و رفتارتان حق و راستی و مدارا، و گفتارتان حکم و حتم، و رأیتان دانش و بردباری و دوراندیشی است، اگر از خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایتش شما، پدر و مادر و جانم فدای شما، چگونه ثنای نیکوی شما را وصف کنم، و آزمایش های زیبایی شما را بشمارم، خدا ما را به وسیله شما از خواری درآورد، و غم های غرق کننده را از ما زدود، و ما را از پرتگاه هلاکت ها و آتش دوزخ رها کنید، پدر و مادر و جانم فدای شما، خدا در پرتو دوستی شما، دستورات دینمان را به ما آموخت، و از دنیایمان آنچه که فاسد شده بود، اصلاح نموده، و به موالات شما دین کامل شد، و نعمت عظمت یافت،

وَ انْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكَانُ [و الْمَقَامُ] الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا،

و جدایی به گردهمایی رسید، و به مولات شما طاعت واجب شده پذیرفته می گردد، و برای شماست مودت واجب، و درجات بلند، و مقام پسندیده، و جایگاه معلوم نزد خدای عزّ و جلّ، و شرف عظیم، و رتبه کبیر، و شفاعت پذیرفته،

ای پروردگار ما به آن چه نازل فرمودی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی کردیم،

پس ما را در شمار گواهان بنویس، ای پروردگار ما، دل‌های ما را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مکن، و به ما از نزد خود رحمت ببخش، همانا تو بسیار بخشنده ای، منزّه است پروردگار ما،

که وعده پروردگار ما امری انجام یافته است

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا دُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ أُنْتَمَنُكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْفِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمَرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ [نَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ

الْوَكِيلُ

ای ولیّ خدا به درستی که بین من و خدای عزّ و جلّ گنا‌هانی است که آنها را جز رضایت شما پاک نمی کند، پس به حقّ خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد، و زیر نظر گرفتن، زندگی بندگان‌ش را از شما خواست، و طاعت خود را به طاعت شما مقرون نمود،

هرآینه بخشش گنا‌هانم را از خدا بخواهید و شفیعان من شوید، که من فرمانبردار شمایم،

کسی که شما را اطاعت کرد، خدا را اطاعت نموده، و هر که از شما نافرمانی نمود، خدا را نافرمانی کرده است، و هر که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را

دشمن داشته است.

خدایا اگر من شفیعیانی را به درگاه تو نزدیک تر از محمد و اهل بیتش، آن خوبان و پیشوایان و نیکان می یافتم، آنها را شفیعیان خود قرار می دادم پس به حقشان که برای آنان بر خود واجب کرده ای، مرا در گروه عارفان به آنها و آشنای به حقشان، و در شمار رحم شدگان به شفاعت آن بزرگواران وارد کن، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی،

و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش و سلام خدا، سلامی بسیار، بر آنان باد،

و خدا ما را بس است، و نیکو کارگشایی است.

اللهم صل على محمد وال محمد وعلم ختم



وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ / ...

و به خاطر شما باران فرو می ریزد

یادتان هست نوشتیم که دعای خواندم / داشتم کنج حرم جامعه رامی خواندم

از کلامت چه بگویم که چه با جانم کرد / محکمت کلمات تو مسلمانم کرد

کلامی که همه بال و پر پرواز است / مثل آن پرنده که روبه تماشایاز است

کلامی که پر از رایحه غار حراست / اخط به خط جامعه آینه قرآن خداست

عقل از درک تو لبریز تحریر شده است / لب به لب کاسه ظریفیت من پر شده است

همه عمر دادم نسرو دیم از تو / قدر درک خودمان هم نسرو دیم از تو

من که از طبع خودم سگوه مکر دارم / عرق شرم به پیشانی دفتر دارم

شعر بایم همه پشرد و نگفتم از تو / فصلی از عمر ورق خورد و نگفتم از تو

دل ماکی به تو ایمان فراوان دارد / شیر در پرده به چشمان تو ایمان دارد
بیم آن است که مایک به مرداب شویم / رفته رفته تکند جعفر کذاب شویم
تا تو را کم نکنم بین کویرای باران / دست خالی مرا نیز بگیریای باران
من زمین گیرم و وصف تو مرا ممکن نیست / کلام کلماتی ست حقیرای باران
یاد کرد از دل ما رحمت تو زود به زود / یاد کردیم تو را در به دیرای باران
نام تو در دل ما بود هدایت نشدیم / مهربانی کن و نادیده بگیرای باران
ما نخریم که تو بین به تو نام تو شد / ما که از نسل غدیریم، غدیرای باران
پسر حضرت زهرا! دل ما را در یاب / ما تیسیم و اسیریم و فقیرای باران
سامرا قسمت چشمان عطش خیزم کن / تا ما تا گنمت یک دل سیرای باران
بگذارید کمی از غم تان بنویسم / دوسه خط روضه از این درد نهان بنویسم
گریه برداغ شامین ثواب است ثواب / بار دیگر پسر فاطمه و بزم شراب

سید حمید رضا برقی

اللهم صل على محمد وآل محمد وعلم بنوهم

علم السلام



زیارت غدیریه



زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام ،

گنجینه ای مغفول مانده در اثبات ولایت امام علی علیه السلام

زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده است،

که با آن زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود زیارت کردند،

روایت شده که در هر روز، از راه دور و نزدیک می توان خواند.

زیارت غدیریه از نظر اسناد:

جالب است بدانیم در تمامی سلسله سند این زیارت بی نظیر،

روایات آن نه تنها عادل و امامی ، بلکه از اعلام درجه اول شیعه در هر عصر می باشند ،
و سلسله سند آن از طریق نایب خاصّ اول و سوم حضرت ولیّ عصر (عج) ،
به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ،
و حضرت امام هادی علیه السلام می رسد .

محتوای زیارت غدیریّه

با یک نگاه اجمالی می توان زیارت غدیریّه را بر سه محور تقسیم نمود :

۱ _ آیات قرآن کریم در زیارت غدیریّه

طبق شمارش موجود ، ۳۲ آیه شریفه در زیارت غدیریّه آمده است که بر محور بیان فضایل
امیرالمؤمنین علیه السلام است ،
از جمله آیه لیله المبیّت، آیه ابلاغ ، و آیه ولایت .
علاوه بر آن ، به ۴ آیه شریف نیز اشاره شده است .

۲ _ فضایل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در زیارت غدیریّه

بخشی از زیارت غدیریّه شریف به بیان فضایل حضرت امیر علیه السلام اختصاص دارد .
حدود ۲۰۶ فضیلت حضرت در این زیارت آمده است .

۳ _ بخش هایی از تاریخ در زیارت غدیریّه امام هادی علیه السلام

این زیارت ، حاوی مطالبی از تاریخ ولایت است ؛ از جمله :
حدیث غدیر ، غصب فدک ، جنگ بدر ، احزاب ، احد ،
نزول « لا فتی الا علی لاسیف الا ذو الفقار » ،
جنگ خُرن ، صفین ، جمل ، نهران ،
شهادت جناب عمّار ،
شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) ،
بیزاری از دشمنان ولایت و قاتلان حضرت سیدالشّهدا علیه السلام ،
و در آخر زیارت ، بیزاری از منکران ولایت و قاتلان حضرت سید الشّهدا علیه السلام



السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ صَلَوَاتِهِ وَ تَحِيَّاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ.

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران، و سرور رسولان، و برگزیده پروردگار جهانیان،

امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی، و ختم کننده آنچه گذشته، و گشاینده آنچه خواهد آمد،

و چیره بر همه اینها، و رحمت و برکات و درویدا و تحیات خدا بر او باد.

سلام بر پیامبران خدا و رسولانش، و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته اش.

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و وارث دانش پیامبران،

ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان، و رحمت و برکات خدا بر او باد.

سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان،

ای امین خدا بر روی زمینش، و سفیر او در خلقش، و حجت رسایش بر بندگان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ وَ صَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ وَ جَاهَدْتَ [فِي اللَّهِ] وَ هُمْ مُحْجَمُونَ [مُجْمَحُونَ] وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدَ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثَ عِلْمِهِ وَ أَمِينُهُ عَلَى شَرَعِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ،

سلام بر تو ای دین معتدل خدا، و راه راستش.
سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند، و از آن بازخواست شوند.
سلام بر تو ای امیر مؤمنان،

به خدا ایمان آوردی، درحالی که همه شرک می ورزیدند،
و حق را تصدیق گفتی وقتی که آنان را تکذیب می نمودند،
و جهاد کردی و آنان از جهاد عقب نشینی می کردند،

خدا را عبادت کردی، درحالی که خالص نمودی برای او دین را،

صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی، تا مرگ تو را در رسید، آگاه باشی لعنت خدا بر ستمکاران.
سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین، و پیشوای اهل تقوا، و مقتدای سپیدرویان،
و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

شهادت می دهم که تویی برادر رسول خدا،

جانشین، و وارث علمش، و امین او بر قانونش، و جانشین او در امتش،

وَأَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَّقَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى نَبِيِّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ وَ
أَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَ وِلَايَتِكَ وَ عَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ وَ جَعَلَكَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا
جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْرَهْدْ وَ كَفَى بِكَ
شَهِيداً وَ حَاكِماً بَيْنَ الْعِبَادِ فَلَعَنَ اللَّهُ جَاوِدَ وَ لَآئِيكَ بَعْدَ الْإِفْرَارِ وَ نَاكَثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْهَيْثَاقِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ
بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً وَ أَشْهَدُ
أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ النَّزِيلُ وَ أَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
وَ عَمَّكَ وَ أَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمْ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ ،

و اول کسی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود تصدیق کرد،
و شهادت می دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند،

و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد،

و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایتت را واجب نمود،

و بیعت تو را بر عهده ی آنان نهاد،

و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد،

چنان که خدا خود او را اینچنین قرار داد،

سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم که ابلاغ نمودم .
همه گفتند: به خدا آری.

پس فرمود:

خدایا گواه باش، و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان کافی هستی .

پس خدا لعنت کند منکر و لاینت را بعد از اقرار،

و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن،

و شهادت می دهد که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی،

و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست،

و هرکس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد.

و شهادت می دهد که تویی امیر مؤمنان آن حقی که قرآن به ولایت گویا شد،

و رسول خدا در این زمینه برای تو از امتت پیمان گرفت،

و شهادت می دهد که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جان هایتان معامله کردید،

فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ
يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي
بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ النَّابِئُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ
فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ وَ أَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَانِدٌ [عَادِلٌ] عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ
الْعَالَمِينَ وَ أَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ضَلَّ اللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَ عِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ
عَادَكَ.

پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:

به درستی که خدا از مؤمنان خرید جانها و اموالشان را، که در عوض به آنها بهشت برای آنان باشد،

و در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند،

و عده ای است بر او، محقق شده در تورات و انجیل و قرآن،

و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد،

پس شادی کنید به معامله ای که انجام دادید،

و این است آن رستگاری بزرگ آنانند توبه کنندگان،

عبادت کنندگان، روزه گیران، رکوع کنندگان، سجودکنندگان، امرکنندگان به معروف، نهی کنندگان از

منکر، و نگهبانان حدود خدا، و به مؤمنان بشارت ده،

شهادت می دهم ای امیر مؤمنان، که شك کننده در باره تو به رسول امین ایمان نیآورده،

و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است،

دین میانه ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده،

و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است،

و گواهی می دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی:

به حقیقت این است راه راست من، از آن پیروی کنید، و راههای دیگر را پیروی ننمایید،

که شما را از راه او پراکنده کند، به خدا سوگند گمراه شد، و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی

نمود، و کسی که تو را دشمن داشت، ستیزه ورزان از حق روی گرداند.

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهُوَى مُخَالِفًا وَ لِلنَّفَى مُحَالِفًا وَ عَلَى كَظْمِ الْعَيْظِ قَادِرًا وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا وَ إِذَا عَصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا وَ إِذَا أَطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا وَ بِمَا عَهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ مُبَلِّغًا مَا حُمِّلْتَ مُنْتَظِرًا مَا وُعِدْتَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا وَ لَا أَمْسَكَتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِيكَ [عَاصِيكَ] نَاكِلًا وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرْضِي اللَّهُ مُدَاهِنًا وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ،

خدایا امرت را شنیدیم و اطاعت کردیم ،

و راه راست تو را پیروی نمودیم ،

پروردگارا ما را هدایت کن،

و بعد از اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی دل هایمان را منحرف مساز،

و ما را از سپاسگزاران نعمتهایت قرار ده،

و شهادت می دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف، و با پرهیزکاری هم پیمان،

و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی،

و زمانی که خدا معصیت می شود خشمناک،

و هنگامی که اطاعت می شود خشنودی .

به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی،

و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی،

و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی، و آنچه از حق بر عهده ات نهاده شده بود رساندی،

و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی،

و شهادت می دهم که از روی زبونی محافظه کاری نکردی،

و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی،

و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غصبان و لاینت قدم به عقب نگذاشتی،

و به علت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند اظهار خشنودی ننموده،

و برای آنچه در راه خدا به تو در رسیده سست نشدی،

و لا ضَعُفَتْ وَ لا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا مَعَادَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ بَلْ إِذْ ظَلَمْتَ احْتَسِبْتَ رَبَّكَ وَ فَوَضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ وَ ذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكُرُوا وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَظُوا وَ خَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ لِتَكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدَتَ اللَّهِ مُخْلِصًا وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا وَ عَمَلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ وَ لَا تَهْنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ،

و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی،

پناه به خدا از اینکه چنین باشی،

بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی، به حساب پروردگارت گذاشتی،

و کارت را به او واگذار کردی،

و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند، و اندرز دادی ولی قبول نکردند،

و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند،

و شهادت می دهم که تو ای امیر مؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی،

تا اینکه خدا تو را بجوارش فرا خواند، و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد،

و حجتت را بر دشمنانت ختم کرد،

با به قتل رساندن تو را، تا حجت به سود تو و زیان باشد همراه با آنچه برای تو بود از حجت های رسا بر همه خلق.

سلام بر تو ای امیر مؤمنان،

خدا را خالصانه عبادت کردی، و صابرا نه در راه خدا جهاد نمودی، و به حساب خدا جانبازی کردی،

و به کتابش عمل نمودی، و روش پیامبرش را پیروی کردی، و نماز را بپا داشتی،

و زکات را پرداختی، و به معروف امر کردی، و تا توانستی از منکر نهی نمودی،

طالب بودی آنچه را نزد خداست،

راغب بودی در آنچه خدا وعده داد،

کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد،

و هنگام سختی ها سست نگشتی،

و لا تَحْجِمُ عَنْ مُحَارِبِ أَمِّكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ وَ افْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ وَ أَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنَّا لَقَدْ
جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَدَى صَبْرَ احْتِسَابٍ وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى لَهُ وَ
جَاهَدَ وَ أَبَدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرْكِ وَ الْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً وَ الشَّيْطَانُ يُعْبِدُ جَهْرَةً وَ أَنْتَ الْفَائِلُ لَا
تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَ لَا تَقْرُفُهُمْ عَنِّي وَ حَشَةً وَ لَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُنْضَرًّا عَا
اعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ وَ انْتَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْأَوْلَى فَزَهَدْتَ وَ أَيَّدَكَ اللَّهُ وَ هَدَاكَ وَ أَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ فَمَا
تَنَاقَضَتْ أَعْمَالُكَ وَ لَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ وَ لَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ وَ لَا ادَّعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَ لَا شَرِهْتَ
إِلَى الْحَطَامِ وَ لَا دَنَسْتَ الْأَثَامَ وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا،

از مقابل هیچ جنگجویی باز نگشتی،

آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد، و به باطل دروغ بر تو بست،

و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند،

به راستی در راه خدا به حق جهاد کردی،

و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا،

تویی اول کسی که به خدا ایمان آوردی، و برای او نماز خواندی، و جهاد کردی،

و خود را در خانه شریک برای حق آشکار نمودی، در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود،

و شیطان آشکارا عبادت می شد،

و تویی گوینده این سخن:

کثرت مردم در پیرامونم عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدن شان ترسی به من اضافه نکند،

اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم،

پناهنده به خدا شدم و عزت یافتی،

آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی،

خدا تأییدت نمود و راهنمایی فرمود، و در گردونه خلوص قرار داد، و تو را برگزید،

کردار هایت ضد و نقیض نشد، گفتار هایت اختلاف نیافت، حالاتت زیور و نگشت،

ادعای بیهوده نکردی، و بر خدا دروغ نبستی، و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی،

گاهان تو را آلوده نساخت، همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود،

در کارت بر یقین بودی،

به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی،

شهادت می دهم شهادت حق،

و أَفْسِمُ بِاللَّهِ فَسَمَّ صِدْقَ أَنْ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَلِيُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ وَ لَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَهِي مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وَ لَائِكَ مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى وَ نُورُكَ لَا يُطْفَأُ [وَ أَنْ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُومُ الْأَشْقَى مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنزِلَتَكَ وَ أَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَ بَصْرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ،

و سوگند می خورم سوگند صدق،

که محمد و خاندانش (درود خدا بر آنان بله) سروران خلقند،

و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی،

تو بنده خدا و ولی او و برادر جانشین و وارث او هستی،

و او گوینده این سخن به حضرت توست:

سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد،

و به خدا اقرار ننمود آن که به انکار تو برخاست،

گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت،

و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت،

و این گفتار پروردگار عزّ و جلّ من است:

من آمرزنده ام آن کس را که توبه کرد، و ایمان آورد، و عمل شایسته انجام داد،

سپس به سوی ولایت تو راه یابد.

مولای من فضل تو مخفی نمی ماند، و نورت خاموش نگردد،

و آن که تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است،

مولای من تو حجت بر بندگان و راهنمای به سوی راه راستی، و ذخیره روز معادی،

مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد، و درجه ات را در آخرت والا گردانید،

و بینایت نمود به آنچه بی کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند،

و بین تو و موهبت های خدا حجاب شد،

فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحْلِي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَ دَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ نَفَّحُوا وَجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ قُلْتِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قَدْ مَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ أَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَ حَيَاتَكَ مَعِي وَ عَلَيَّ سَيِّئِي فَوَ اللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ وَ لَا ضَلَلْتُ وَ لَا ضَلَّ بِي وَ لَا نَسِيتُ مَا عَهَدْتُ إِلَيْ رَبِّي وَ إِنِّي لَعَلِّي بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّي بَيِّنَاتُهَا لِنَبِيِّهِ وَ بَيِّنَاتُ النَّبِيِّ لِي وَ إِنِّي لَعَلِّي الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ الْفُظْهُ لَفُظًا صَدَقْتَ وَ اللَّهُ وَ قُلْتِ الْحَقَّ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ وَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ:

لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمتت، و دفع کنندگان حقت،

و شهادت می دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهره آنان را می سوزاند،

و در میان دوزخ زشت و عبوس هستند،

و شهادت می دهم که اقدام نکردی، و قدم به عقب نگذاشتی، و سخن نگفیتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش.

خود فرمودی:

سوگند به آن که جانم در دست اوست، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من نظر کرد، درحالی که پیش قدمانه شمشیر می زدم،

ایشان به من فرمود:

ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست،

و من تو را خبر می دهم که مرگ و زندگی تو با من و براساس راه و رسم من است،

به خدا سوگند دروغ نگفتم، و به من دروغ گفته نشد،

و گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده،

و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نكردم،

من بر برهانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته است، و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می گویم با صراحت تمام،

ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتمی، و حق گفتمی.

پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آن که با تو دشمنی کرد برابر قرار داد،

درحالی که خدا می فرماید:

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيَّ وَلَا يَتَكَ وَ أَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ الدَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى) : أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند برابرند؟

پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد،

آن کس را که خدا ولایتت را بر او واجب کرد، و حال اینکه تو ولیّ خدایی،

و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی،

و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست،

خدای تعالی فرمود:

خدا جهادکنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ،

درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهادکنندگان است،

و خدا همواره آمرزنده و مهربان است

و خدای تعالی فرمود:

آیا آب دهی به حاجیان و آب دادن در مسجد الحرام را قرار داده اید همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟

هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصِ لِرِضْوَانِهِ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) اللَّهُ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِذَلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيكَ دَعْوَتُهُ ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَأْنِكَ وَ إِعْلَانًا لِزُهْرَانِكَ وَ دَحْضًا لِلْأَبَاطِيلِ وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَ اتَّقَى فِيكَ الْمُتَنَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ:

آنان که ایمان آورده اند و هجرت کردند، و در راه خدا با اموال و جان هایشان جهاد کردند، از جهت مقام به نزد خدا برترند، و ایشان رستگار اند، نویدشان می دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خشنودی، و بهشت هایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد. در آن بهشت ها جاودانند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است. شهادت می دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته ای،

و مخلص در طاعت خدایی،

برای هدایت جایگزینی نجستی، و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی،
خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد،

سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد،

برای بالا بردن شانت، و علنی ساختن برهانت،

و دفع باطلها، و بریدن بهانه ها،

پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمانک شد، و درباره تو در برابر منافقان محافظه کاری کرد،
پروردگار جهانیان به او وحی کرد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)
فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أُوزَارَ الْمَسِيرِ وَ نَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعُ
فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَى فَأَخَذَ
بِيَدِكَ وَ قَالَ: « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ
اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. »
فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ وَ لَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ
وَ هُمْ كَارِهُونَ:

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان،

اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای، خدا تو را از مردم حفظ می کند.

پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد، و در حرارت شدید نیمه روز برخاست،

سخنرانی کرد و شنواند، و فریاد زد، پس پیام حق را رساند،

سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟

گفتند: به خدا قسم آری.

فرمود: خدایا شاهد باش.

سپس به مردم خطاب کرد:

آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟

گفتند: آری،

پس دست تو را گرفت، و فرمود:

هرکه را که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست،

خدایا دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،

و یاری کن کسی را که یاری اش کند، و خوار کن هرکه خوارش سازد.

پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده ای اندک،

و اکثرشان را نيفزود جز زیانکاری،

پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی که آنان دوست نداشتند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تَرَعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ)
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید،

هرکه از شما از دینش برگردد، خدا به زودی قومی را بیاورد، که آنها را دوست دارد، و آنها هم خدا را دوست دارند، بر مؤمنان نرمند، و بر کافران سخت، در راه خدا جهاد کنند، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند، این است فضل خدا، به هر که بخواهد عنایت می کند، خدا گسترده و دانا است. جز این نیست که شما ولی خدا و رسول او و همه آنانی هستند که ایمان آورند، و آنانی که نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند، درحالی که رکوع کننده اند، و هرکه با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند دوستی کند، پس حزب خدا حزب پیروز است.

پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را با گواهان بنویس پروردگارا دل های ما را پس از آنکه هدایت مان کردی منحرف مساز، و به ما از نزد خود رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده ای خدای ما می دانیم که این گفتار از نزد تو حق است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد، و به آن کبر ورزید، و آن را تکذیب کرد، و کافر شد، و زود است بدانند کسانی که ستم کردند، به چه بازگشت گاهی برگردن.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْقُصَبِيِّينَ وَ أَوَّلَ الْعَابِدِينَ وَ أَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا لَوْجِهِ اللَّهُ لَا تَبْدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا وَ فِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى) : وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسُّوْيَةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ:

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان،

و رأس عبادت کنندگان، و پارساترین پارسایان،

و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیاتش بر تو باد،

تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به در مانده و یتیم و اسیر تنها به خاطر خشنودی خدا، که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی، و خدای تعالی در حق تو چنین گفت:

دیگران را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خود تهیدست باشند،

هر که از بخل وجودش محفوظ ماند پس آنانند از رستگاران،

تویی فروبرنده خشم، و گذشت کننده از مردم،

و خدا نیکوکاران را دوست دارد،

تویی صبرکننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ،

تویی بخش کننده به برابری، و دادگر در میان ملت،

و آگاه به مقررات خدا،

از میان همه انسانها، خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فضلش به گفته اش:

(أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) وَ أَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَ حُكْمِ التَّوْوِيلِ وَ نَصِّ الرَّسُولِ وَ لَكَ الْمَوَاقِفُ
الْمَشْهُودَةُ وَ الْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَ الْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ
الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا.

آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟

هرگز برابر نیستند.

اما کسانی که ایمان آورده اند، و کار شایسته کردند،

برای آنها بهشت های خویش جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام دادند،

و تویی اختصاص یافته به علم قرآن، و حکم تأویل،

و صریح گفتار پیامبر، و تورا است موقعیت های گواهی شده، و مقامات مشهور،

و روزهای یاد شده،

روز بدر، و روز احزاب آن زمان که چشمها منحرف، و جانها به گلوها رسپی،

و به خدا گمان می بردید، گمان های گوناگون،

در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند، و دچار تزلزل روحی گشتند تزلزل سخت.

آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دل هایشان بیماری بود گفتند:

خدا و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند.

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا اَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيْقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُوْلُوْنَ اِنَّ بُيُوْتَنَا عَوْرَةٌ
وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ اِنْ يُرِيْدُوْنَ اِلَّا فِرَارًا وَ قَالَ اللهُ تَعَالَى وَ لَمَّا رَاى الْمُؤْمِنُوْنَ الْاَحْزَابَ قَالُوْا هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ
وَ رَسُوْلُهُ وَ صَدَقَ اللهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ مَا زَادَهُمْ اِلَّا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيْمًا فَفَتَلَتْ عَمْرَهُمْ وَ هَزَمَتْ جَمْعَهُمْ وَ رَدَّ اللهُ
الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوْا خَيْرًا وَ كَفَى اللهُ الْمُؤْمِنِيْنَ الْقِتَالَ وَ كَانَ اللهُ قَوِيًّا عَزِيْزًا وَ يَوْمَ اُحُدٍ اِذْ يُصْعِدُوْنَ
وَ لَا يَلُوْوْنَ عَلٰى اَحَدٍ وَ الرَّسُوْلُ يَدْعُوْهُمْ فِيْ اٰخِرَاهُمْ وَ اَنْتَ تَدُوْدُ بِهَمِّ الْمُشْرِكِيْنَ عَنِ النَّبِيِّ دَاتِ الْيَمِيْنِ وَ
دَاتِ الشَّمَالِ حَتّٰى رَدَّهُمُ اللهُ تَعَالَى عَنْكُمْ خَافِيْنَ وَ نَصَرَ بِكَ الْخَازِلِيْنَ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلٰى مَا نَطَقَ بِهِ النَّزِيْلُ:

و در آن زمان گروهی از آنان گفتند:

ای اهل مدینه جایی برای شما نیست، بازگردید،

و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند، می گفتند:

خانه های ما باز و بی حفاظ است و حال آنکه بی حفاظ نبود، آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند،

و خدای تعالی فرمود:

همین که اهل ایمان دسته های کفر و شرک را دیدند گفتند:

این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داد،

خدا و رسولش راست گفتند،

و آنان را نيفزود مگر ایمان و تسلیم، پس عمرو قهرمان آنها را کشتی،

و جمع آنان را فراری دادی،

و خدا آنان را که کافر بود با خشمشان بازگرداند، درحالی که به غنیمتی دست نیافتند،

و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد،

و خدا نیرومند و عزیز است،

و روز احد هنگامی که از اطراف پیامبر فرار می کردند، و به احدی اعتنا نمی نمودند،

و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می کرد،

تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می کردی،

تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند،

و شکست خوردگان را به وسیله تو یاری کرد.

و روز حنین، بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد:

« اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِيْنَ ثُمَّ اَنْزَلَ اللهُ
سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهِ وَ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ » وَ الْمُؤْمِنُوْنَ اَنْتَ وَ مَنْ يَلِيْكَ وَ عَمَّكَ الْعَبَاسُ يُنَادِي الْمُنْهَرِمِيْنَ: يَا

أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُؤْنَةَ وَ تَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ
فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمُتُوبَةِ رَاجِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: « ثُمَّ يُتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ
ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ » وَ أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ وَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ الْمُنَافِقِينَ
وَ قَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ « وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلُونَ الْأَدْبَارَ وَ لَكِنْ
عَاهَدُوا اللَّهَ مَسْنُؤًا »

«زمانی که نفرات زیاد شما باعث شگفتی شما شد، ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد، و زمین با
آن فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس روی گردانده فرار کردید.
آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود.»
«مؤمنان» تو بودی و همراهانت،

و عمویت عباس شکست خوردگان را صدا می زد:

ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیت شجره،

تا جماعتی به او پاسخ دادند، که تو رنج آنها را کفایت کردی، و به جای آنها کمک را عهده دار شدی،
پس نومید از پاداش برگشتند، و امیدوار به وعده خدای تعالی به توبه،

و این است سخن خدا که عظیم باد یادش :

«آنگاه خدا توبه می پذیرد پس از آن، توبه کسی را که بخواهد،

درحالی که تو درجه صبر را به دست آوردی، و به مزد بزرگ پیروز شدی،

و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد، و دنباله کافران را برید،

و سپاس خدای را پروردگار جهانیان، درحالی که آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند،

و به یقین پیمان خدا مورد بازخواست است.

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَ الْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ وَ النُّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَ الْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ فَهَيِّبًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ
فَضْلٍ وَ تَبًّا لِشَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ شَهَدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَ مَعَارِيزِهِ تَحْمِلُ الرَّأْيَةَ
أَمَامَهُ وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَ بَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكُنْ
عَلَيْكَ أَمِيرٌ وَ كَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ النُّقَى وَ اتَّبَعَ غَيْرَكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ
أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى ضَلَّ وَ اللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِّكَ وَ مَا اهْتَدَى وَ لَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّم
وَ امْتَرَى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ:

مولای من تویی حجت رسا، و راه روشن، و نعمت کامل، و برهان تابناک،

پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد،

و نابود باد دشمن نادانت،

با پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در تمام جنگها و لشکرکشی هایش حاضر بودی،

پیشاپیش پرچم اسلام را به دوش می کشیدی، و در برابرش شمشیر می زدی،

سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهودت و بینایی ات در امور، در تمام میدانها تو را به فرماندهی می گماشت، و امیری بر تو نبود،

چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد،

اما جز تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد، پس نادانان گمان کردند، که تو از آنچه او به آن رسید عاجز شدی، به خدا قسم گمان کننده اینچنین گمراه شد و را نیافت،

و تو واضح ساختی آنچه مشکل شده بود از این امور، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت،

درود خدا بر تو که فرمودی:

«قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبَ وَجَهَ الْحَيْلَةِ وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ فَبَدَعَهَا رَأْيَ الْعَيْنِ وَ تَيَهَّزُ فِرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيحَةَ [لَهُ فِي الدِّينِ]»، صَدَقْتَ وَ اللَّهُ وَ خَسِرَ الْمُطْبِلُونَ وَ إِذْ مَأْكْرَكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَ نُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَقُلْتَ لَهُمَا: لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ لَكِنْ تُرِيدَانِ الْعُدْرَةَ «فَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا وَ جَدَدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدًّا فِي النَّفَاقِ فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَ عَادَا وَ مَا انْتَفَعَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسَبَرْتَ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْدَارِ وَ هُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَ لَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ هَمَجَ رَعَاعٍ ضَالُّونَ وَ بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْ نَصْرِكَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ:

گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند، ولی در برابرش پرده ای از تقوای خداست،

در نتیجه روی چاره را آشکار رها می کند،

ولی فرصت آن را غنیمت می داند کسی در امر باکی ندارد،

به خدا سوگند راست گفתי،

و یاوه سرایان دچار زیان شدند، هنگامی که آن دو عهدشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند، و گفتند قصد عمره داریم، به آنان گفתי:

به جان خودتان قسم: قصد عمره ندارید، بکله قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی، و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی،

بی توجهی کردند، و به کار خویش بازگشتند، ولی بهره مند نشدند، و سرانجام کار هر دو خسران شد سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند، و تو پس از بستن راه غدر بر آنان به سویشان حرکت کردی، ولی آنها به دین حق گردن ننهادند.

و در قرآن تدبیر نمودند،

بی خردان پست و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند،

و یاوران مخالف تو،

درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد، و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند،

و فرمود خدای عز و جل:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ وَ أَوْضَحَتِ السُّنَنُ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمَسِ فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ وَ عَدُوكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَاوِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ يَدْعُو بِاطِلَالٍ وَ يَحْكُمُ جَائِرًا وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبِيًّا وَ يَدْعُو جَزْبَهُ إِلَى النَّارِ وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنَ الصَّفَّيْنِ الرَّوَاحِ الرَّوَاحِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَمَّا اسْتَسْقَى فَسُقِيَ اللَّبْنَ كَبِيرًا وَ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاحٌ مِنْ لَبَنِ ،

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را پروا کنید، و با راستگویان باشید.
مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند،

و تو روشهای دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی،

توراست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن،

و توراست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تأویل،

و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا است،

دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند به ستم، فرمان می دهد غاصبانه،

دارودسته اش را به دوزخ می خواند،

درحالی که عمار جهاد می کرد و میان دو لشکر فریاد می زد:

کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت،

و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت:

رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود:

آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر،

وَ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ فَأَعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَ لَمْ يَكْرَهُهُ وَ أَغْمَضَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْ أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ،

و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند،

پس ابو العادیه فزاری راه را بر عمار گرفت و او را کشت، بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران،

و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید، و تو به روی او شمشیر کشیدی،

ای امیر مؤمنان،

از مشرکان و منافقان تا روز قیامت،

و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت،

و غم تو را ناخوش نداشت و دیده بر هم نهاد و بی تفاوت گذشت، و علت و عاملش را انکار نکرد،

یا علیه تو به دست و زبان کمک کرد، یا از یاری اش دست کشید،

یا از جهاد نمودن به همراه تو، کناره گیری کرد، یا فضل تو را کوچک شمرد، و حقت را انکار کرد،

یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او،

و دروهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو،

إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخَطْبُ الْأَفْطَحُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ غَضَبُ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ
سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكَاً وَ رُدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَّاتِكَ وَ عِثْرَةَ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ
تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ فَذَهَبَ عَرْنُكُمُ الرَّجْسَ وَ
طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً
إِلَّا الْمُصَلِّينَ فَاسْتَنْتَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ
ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ ،

و غصب فدک صدیقه طاهره زهرا سرور زنان،

و نپذیرفتن گواهی تو و گواهی دو سرور از نژادت و عترت مصطفی است! (درود خدا بر شما باد)،
و حال آن که خدا درجه شما را بر امت برتر گرداند، و منزلت شما را رفیع قرار داد،

و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت، و پلیدی را از شما برد،

و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه،

خدا عز و جل فرمود:

انسان بسیار حریص آفریده شده، چون گزندی به او در رسد بی صبری کند، و چون خیری به او در
رسد دریغ ورزد، جز نمازگزاران،

پس خدای تعالی، پیامبر برگزیده اش را و تو را، ای سرور جانشیان از همه خلق استثنا کرد،

پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور بودند،

ثُمَّ أَفْرَضُواكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرًا وَ أَحَادُوهُ عَن أَهْلِهِ جَوْرًا فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَىٰ مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ فَاشْتَبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ وَ أَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الدَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ وَ أَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا إِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبُحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقْبِأْ لَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا،

سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند،

ولی به جور و ستم از اهلهش برگرداندند ،

چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی،

بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند، پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنهایی و بی یآوری شبیه شد،

و در آمدن در بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی، و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرا نه و پاداش خواهانه اطاعت کرد،

وقتی که ابراهیم به او گفت :

«پسرم در خواب دیدم که ترا ذبح می کنم، بنگر که رأی تو چیست؟»

گفت: «پدر به آنچه دستور داده شده ای اقدام کن، اگر خدا بخواهد مرا از بردباران خواهید یافت»،

و تو نیز زمانی که پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در بسترش خوابانددت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی، و او را با جاننت از شر دشمنانش حفظ کنی، فرمان بردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی، و خود را برای کشته شدن آماده کردی،

فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَ أَبَانَ عَن جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً وَ مَكْرًا فَأَعْرَضَ الشُّكُّ وَ عُرِفَ الْحَقُّ وَ اتَّبَعَ الظُّنُّ أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَىٰ عَلَى قَوْمِهِ فَنَقَرُوا عَنْهُ وَ هَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَ يَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَ إِن رَّبَّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدِعْتُمْ فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا عَلَيْكَ وَ اسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمِيِّينَ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَ تَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَضَّعْتَهُ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُنْكَرُ وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ الْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ وَ أَلَزَمُواكَ عَلَى سَفَهِ النُّحْكِيمِ الَّذِي أَبْيَنَهُ وَ أَحْوَهُ وَ حَظَرْتَهُ وَ أَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي أَفْتَرُوهُ،

در نتیجه خدا از فرمان برداریت قدردانی کرد، و از کار زیباییت به گفتارش جل ذکره در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود :

«و از مردم کسی است که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد»

سپس گرفتاریت در جنگ صفین، درحالی که قرآن ها از روی حيله و فریب به نيزه ها بالا رفته بود، در نتیجه شك و تردید پیدا شد، و حق به يك سو افتاد، و از گمان پیروی شد، این گرفتاری ات شبیه به گرفتاری هارون شد، زماین که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آنها از او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت :

ای مردم شما به گوساله آزمایش شده اید به درستی که پروردگار شما خدای بخشنده است،

از من پیروی کنید.

و از دستورم پیروی نمایید، گفتند همچنان روی آور به گوساله خواهیم بود، تا موسی به سوی ما بازگردد! !

و همچنین تو ای امیر مومنان، همین که قرآنها بالا رفت گفتی:

ای ملت شما به آن آزمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته اید، اما از خواسته تو سرپیچی کردند، و با تو به مخالفت برخاستند، و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی، و از عمل آنان به سوی خدا بیزار جستی، و آن را به خودشان واگذاشتی، پس زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت، و به لغزش و انحراف از راه حق اعتراف کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند، و از روی بی خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیت کردند، حکمیتی که از آن سرباز زدی و آنان می خواستند و تو از آن باز داشتی، روا دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند،

وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجٍ بَصِيرَةٍ وَ هُدًى وَ هُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمَى فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصِرِّينَ وَ فِي الْعَيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى آدَأَهُمُ اللَّهُ وَ بَالَ أَمْرِهِمْ فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِي وَ هَوَى وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهَدَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَ رَائِحَةً وَ عَاكِفَةً وَ ذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَ صَفَاكَ وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً وَ أَدْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ [وَ فَلَّاتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ تُخَمِدُ لَهُبَ الْحُرُوبِ بِبِنَانِكَ وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِبِنَانِكَ وَ تَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنِ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنًى عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ،

تو بر راه بینایی و هدایت بودی،

و ایشان بر روش های گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند،

و در گمراهی سرگردان بودند، تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند،

و کسی را که با تو دشمنی کرد با شمشیرت به نابودی کشید، پس بدبخت و نگون سار شد،

و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت، و راهنمایی شد.

درود خدا بر تو باد بامداد و شامگاه،

در حضر و در سفر،

بر وصف مدح کننده ای احاطه نکند، و عیب جویی برتری ات را نابود ننماید،

تو در عبادت بهترین خلقی، و در پارسایی خالص ترین انانی، و در دفاع از دین سرسخت ترین ایشان، با کوشش حدود خدا را بپا داشتی، و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشت هایت شعله جنگها را خاموش ساختی، و با بیانت پرده های شبه را دریدی،

و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی،

سرزنش هیچ سرزنش کننده ای تو را در راه خدا نگرفت،

مدح خدای تعالی تو را بی نیاز کرد از مدح مدّاحان و ستایش وصف کنندگان،

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ النَّكِيثَ وَالْفَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَصَدَقَكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَهُ فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ قُلْتَ أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا وَإِثْقَا بَلَنِكَ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ قَادِمٍ عَلَى اللَّهِ مُسْتَبِشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ ،

خدای تعالی فرمود:

از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند، گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند، و جمعی از آنان انتظار می شکند، و به هیچ روی تغییر نکردند. زمانی که دیدی پیمان شکنان و ستمکاران و بیرون رفتگان از دین را کشتی،

و رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده اش را به تو راست گفته بود، و تو هم به عهدش وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که این محاسن به خون سر رنگین شود؟ ،

با چه زمان بدبخت ترین این ملت برای این کار برانگیخته می شود،

اطمینان داشتی به اینکه بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت از کلت هستی،

وارد شونده بارگاه خدایی، شادان به معامله ای که انجام دادی، و این است آن رستگاری بزرگ.

خدایا کشدگان پیامبرانت، و جانشینان انبیایت را به تمام لعنتهای لعنت کن،

وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَ الْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِيكَ حَقَّهُ وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ وَ جَدَّهَ بَعْدَ الْيَقِينِ وَ الْإِفْرَارِ بِالْوَلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ وَ أَشْيَاءَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمُ اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَ قَاتِلِيهِ وَ الْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَ نَاصِرِيهِ وَ الرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَ خَازِلِيهِ لَعْنَا وَ بِيَلَا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمِ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ

وَ مَا نَعِيهِمْ حُقُوقَهُمُ اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمِ وَ غَاصِبِ لآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَ كُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [وَ آلِ مُحَمَّدٍ] خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَ بَوْلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَلْتَرِيِّينَ الْأَمْنِيِّينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

و آنان را ملازم حرارت آتشت گردان،
و لعنت کن کسی را که حقّ ولیّ ات را غصب کرد، و پیمانش را انکار نمود،
و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد،
خدایا قاتلان امیر مؤمنان و کسانی که به او ستم کردند، و پیروان و یاران آنان را لعنت کن
خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن،
و همچنین قاتلان، و پیروی کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش، و راضیان به قتلش،
و دریغ کنندگان از یاری اش لعنتی شدید و سخت،
خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمّد ستم کرد، و آنان را از حقوقشان بازداشت،
خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمّد را به لعنت اختصاص ده،
و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه ساخت تا روز قیامت.
خدایا درود فرست بر محمّد خاتم پیامبران،
و بر علی سرور اوصیا، و خاندان پاکش،
و ما را قرار ده از متمسکین به آنان،
و از کامیابان به ولایت شان،
و ایمنی ای که نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

اشهد انك اولى الله
اللهم العن اول الظالمين حق محمد وآل محمد خير تابع علي ذلك
خدایا لعنت نخستین سگری را که تم کرده حق محمد و خاندان محمد آخرین کسی که او را این ظلم و ستم پدید کرد



جرعه‌ای از دریای ژرف سخنان گرانقدر
امام هادی علیه السلام

السلام علیکم یا علی بن محمد الساجد النقی علیہ السلام



افسوس کوتاهی خارهای گذشته را با تلاش در آینده
جبران کنید.
(مسند امام العاصی . ص 304)

امام هادی (ع):

بمحر از کار نیک، انجام دهنده آن
است، و زیاتر از زیبایی، گوینده آن
است، بمحر از علم و دانش، دارنده آن
است، و از شربدتر کسی است که آن
را طلب می کند، و از ترس هراسناک تر،
کسی است که خود را در آن می افکند.

رسول الله
محمد



علم السلام







إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ، وَ أُنَى يُوصَفُ الَّذِي تُعْجَزُ الْحَوَاسُّ أَنْ تُدْرِكَهُ وَ الْأَوْهَامُ
أَنْ تَتْلَاهُ وَ الْخَطَرَاتُ أَنْ تَخْذَهُ وَ الْأَبْصَارُ عَنِ الْإِحَاطَةِ بِهِ. نَأَى فِي قُرْبِهِ وَ قُرْبٌ فِي نَائِهِ
به راستی که خدا، جز بدانچه خودش را وصف کرده و وصفه نشود.

کجا وصف شود آن که حواس از درکش عاجز است و تصور شدیه کنه او پی نبرد،
و در دیده ها نگنجد؟ او با همه نزدیکی اش دور است و با همه دوری اش نزدیک.

تحف العقول، ص ۵۱۰

عالمی

www.Akats.com

امام هادی علیه السلام

مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْمَدُ غَيْبَةً وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْمَدُ نَدَامَةً

هر که بذر خوبی بکارد، شادمانی بدرود و هر که تخم بدی
بیفشاند، پشیمانی می درود.

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳







امام هادی علیه السلام:

الدُّنْيَا سُوْقٌ رَبِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِيرٌ آخَرُونَ

دنیا همانند بازاری است که عده ای در آن (برای آخرت) سود می برند و عده ای دیگر ضرر و خسارت متحمل می شوند.

reza-tavakolfard.blogfa.com

بِسْمِ تَمِ خَدَا، بِسْمِ يادِ خَدَا، بِسْرَايِ خَدَا



علم السلام





ميلاد امام علي نقی عليه السلام
بر شما مبارک

خشم و کینه توزی
امام هادی علیه السلام فرموده اند
الْعِتَابُ مِفْتَاحُ الثَّقَالِ وَالْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ
خشم و خشونت ، کلید گرانباری است
و لکن خشم از کینه توزی بهتر است
(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۰)

یا علی بن محمد ایها الهادی النقی علیه السلام

من رضی عن نفسه کثر الساکطون
هر که از خود راضی باشد ، خشم گیران بر او زیاد خواهند بود
منتهی الامال ج ۲ ص ۴۸۰











روزنامه خبایات امام علی (ع) علیه السلام



امام علی (ع) علیه السلام

هر که بر طریق خدا پرستی

محکم و استوار باشد، مصائب دنیا بر وی سبک آید

گرچه تکه تکه شود.

تجف العقول، ص ۵۱۱

www.Askdin.com

علم السلام

تواضع و فروتنی چنان است که
با مردم چنان کنی که دوست
داری با تو آن کنند.

(مخبره البيضاء، ج ۵، ص ۲۲۵)

ما علی محمد
النقی البیتا

WWW.TEBYAN.NET





امام هادی علیه السلام

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يَطَاعُ

هر کس از خدا فرمان ببرد، از او فرمان برند.

تحف العقول، ص ۳۸۲



لا صل على محمد ولا آل محمد إلا صل على خيرهم

<http://www.aparat.com/v/sPKBu>

شعرخوانی حمیدرضا برقعی در مدح امام هادی علیه السلام
تقدیم به دل های دریایی تان



منابع :

<http://www.erfan.ir/farsi>

<http://www.hawzah.net/fa/Defaul>

<http://ketabnak.com/book/58800/%D9%82%D9%82%D9%86%D9%88%D8%>

B3



برپایان آمد این دفتر حکایت بهمان باقی ست

التماس دعا